

درسهائی که باید آموخت!

از دیماه ۹۶ یکسال میگذرد، یکساله که با اعتراضات و اعتصابات بیش از صد شهر آغاز و با اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، کامیون داران و رانندگان کامیون، هفت تپه و فولاد و ... ادامه پیدا نمود. سالی که جمهوری اسلامی را مضمحل و با سرعت به سمت سرنگونی و فروپاشی روانه میسازد.

مقابله با جمهوری اسلامی از بدو موجودیت او آغاز و همچنان ادامه دارد ولی از ویژه گی مهم سال گذشته ماهیت رادیکال، چپ و سوسیالیستی این جنبش و بستن پرونده اصلاح طلبی و حرکتهای یواشکی و گام به گام بود. اعتراضات و اعتصابات بعد از ۹۶ جامعه را پولاریزه و قطب بندی نمود بطوری که ما شاهد روشن تر و شفاف تر شدن صف های سیاسی هستیم. شاهد نزدیکی طیفهای سلطنت طلب، سکولار، اصلاح طلب، ناسیونالیست و اکثریتی-توده ای در یک صف و قامت و انسجام چپ در سمت دیگر هستیم. سمت دیگر این معادله جمهوری اسلامی قرار دارد که شیرازه اش از هم پاشیده و قدرت مقابله با این اعتراضات را همچون گذشته ندارد. رژیم می که تمامی سیاستهایش چه در عرصه بین المللی، چه در عرصه منطقه ای و چه در عرصه داخلی شکست خورده است. رژیم می که سرپایش را فساد و اختلاس و دزدی برگرفته است. رژیم می که دیگر توان برگرداندن جامعه به دهه شصت و سرکوب آنرا ندارد. نه اینکه اصلاح شده و یا نمی خواهد سرکوب کند، دیگر نمیتواند، توانش را ندارد. از هر طرف محاصره شده است. کیفر خواست پشت کیفر خواست؛ اعتراض پشت اعتراض. اعتراضات که مطالبات و خواستههایش چیزی به جز سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. مسئله حجاب که چهل سال با پونز و اسید و تیغ و گله های حزب الله و حاج بخشی ها روی آن پای فشردند با دختران خیابان انقلاب به باد رفت. کارگران اداره شورایی را در دستور خود گذاشته و با حمایت معلمین و دانشجویان روبرو گردیدند. دیگر نیازی نیست به بالای پشت بام رفت و در تاریکی شعار داد. امروز در روز روشن وکیل و وزیر و دستگاه سرکوب و سراپا مسلح را به سخره گرفته و به چالش می کشند. جامعه شتابان به سمت اعتلای انقلابی در حال پیشروی است. خود حاکمان هم با زبان گویا ریزش حکومت را فریاد میزنند و دنبال چاره هستند. و این به معنای این است که ۱- نه تنها ما باید بتوانیم خود را آماده و سازماندهی کنیم تا هر روز منسجم تر و قوی تر از گذشته ظاهر شویم و ۲- بلکه در مقابله با سیاستهای رژیم، از شکنجه و سرکوب تا سیاست موازی سازی و اشاعه سیاستهای اپورتونیستی و رفرمیستی آن مقابله کنیم. سیاست موازی سازی رژیم که نمونه های آنرا اخیرا در مقابله با کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با استفاده از کسانی درون طبقه کارگر که مستقیم و غیر مستقیم به یاری جمهوری اسلامی شتافتند تا با ایجاد تشکلهای زرد به مقابله با جنبش رادیکال کارگران پرداختند شاهد بودیم.

به همین دلیل ارزیابی گذشته و اعتصابات اخیر، نقاط ضعف و قوت آن اهمیت بسزایی خواهد داشت. از ویژگی های مهم این اعتصابات میتوان به طرح شعارهای رادیکال و چپ همچون "نان، کار، آزادی-حکومت شورایی" اشاره نمود. شعارهایی که عملا پرونده جریانات راست حکومتی و غیر حکومتی را برای همیشه بست و یک افق جدیدی را جلوی جامعه باز نمود. از دیگر ویژه گی های این دوره میتوان به اجتماعی کردن این اعتصابات و کشاندن آن از کارخانه به شهر نام برد. این باعث گردید که دیگر اقتشار جامعه نیز همگام و همراه کارگران گردند و خواستههایشان در سطح وسیع و همه گیر منعکس گردد. حضور پر رنگ و پرشور زنان در اعتصابات و در صف جلو و بلندگو گرفتن آنها از ویژه گی های مهم دیگر این دوره از اعتصابات میباشد. نقطه قوت دیگر این اعتصابات حضور خانواده های کارگران در اعتصابات و همگام شدنشان با کارگران بود. حضور جلوی درب زندان و خواستار آزادی زندانیان شدن توسط خانواده ها و همزمان کارگران نقطه قوت دیگر این دوره از مبارزات است. ما بارها گفته ایم که عملی ترین کار مقابله با رژیم رفتن جلوی درب زندانها و مستقر شدن آنجا تا آزادی زندانیانمان میباشد. این خود میتواند یکی از راههای موثر برای لغو اعدام و مقابله با سیاستهای سرکوب رژیم است. نمونه آنرا توسط خانواده های کارگران فولاد و هفت تپه شاهد بودیم. امید اینکه این حرکت هر چه بیشتر و گسترده تر گردد.

اما نکاتی که میبایست روی آن تمرکز نمود. ایجاد اتاق فکر در مقابل اتاق فکر رژیم:
- از روز اول پیدایش جمهوری اسلامی تاکنون سرکوب، ترور، اعدام، شکنجه جز بخش جدایی ناپذیر او بوده و توانسته است با استفاده از این ابزار خود را از بحرانهای موجود تا آنجا که بتواند ادامه حیات دهد، حتی اگر چه بطور موقت، برهاند.

البته باید توجه داشت که این سیاست ها فقط سرکوبهای فیزیکی نبوده است، پرونده سازیهای امنیتی، وثیقه های سنگین، موزی سازی تشکلهای نمونه هایی از این سیاستها میباشد.

رژیم توانسته با اعمال این سیاستها فشار زیادی را روی فعالین سیاسی و کارگران وارد سازد. نمونه اخیر دستگیری آژیتاتورها و رهبران اعتصاب به همراه تلاش برای ایجاد تشکلهای زرد بود که از طریق آنها توانست موقتا اعتصابات را کنترل و کارگران را به سرکار برگرداند اما خبرهای بعدی معلوم کرد که کارگران فوراً دارند دست به تجدید سازماندهی خود میزنند، مثلا ادامه پافشاری آنها برای آزادی بخشی و یا نامه اخیر بخشی از نمونه های است. ما هم باید اتاق فکر داشته باشیم و روی این سیاستها تمرکز و کار جدی تبلیغی و ترویجی نمائیم. باید نه تنها این سیاستها را افشا کنیم بلکه باید برای مقابله با آن طرح و برنامه داشت.

- هرکس که از نزدیک در اعتصابات کارگری شرکت و تجربه رهبری و هدایت آنها داشته میدانند که اینکار چقدر انرژی گیر و خسته کننده است. در همین اعتصاب هفت تپه ما شاهد از حال رفتن تحت فشار کار و تلاش شبانه روزی و فشارهای کار در اعتصاب اسماعیل بخشی بودیم. برای شرکت در یک اعتصاب درازمدت مستلزم تقسیم انرژی میباشد، درست مثل دو ماراتون باید انرژی را طوری صرف نمود تا بتوان تا خط پایان رسید. فولاد اهواز در اینمورد خوب عمل نمود و روزهای پنجشنبه را برای بحث و بررسی و جمعه را به نوعی برای استراحت اختصاص دادند که تا حدودی به تجدید انرژی آنها کمک نمود. تاکتیکهایی چون تغییر و تنوع ساعتهای شروع و پایان روزهای اعتصاب، انتخاب مسیرهای مختلف راهپیمایی میتوانند در ایجاد این تنوع حداقل از لحاظ روحی روانی کمک نماید.

- برای داشتن یک اعتصاب موفق و قوی لازم است که کمیته های زیر مجموعه تشکیل داد که وظایف متفاوتی را بعهده گیرند، مانند:

کمیته ارتباطات. ارتباط و کمونیکیشن بسیار حیاتی و مهم برای هر اعتصابی است. ارسال گزارش لحظه به لحظه و پخش خبر اعتصاب توسط کانالهای شبکه های اجتماعی و مخابره آن به سراسر جهان باید از وظایف اصلی این کمیته باشد. از وظایف دیگر آن ارتباط ارگانیک و مستقیم با دیگر تشکلهای کارگری، معلمان و دانشجویان است. نباید منتظر ماند و انتظار داشت که اعتصاب حتما مورد حمایت قرار خواهد گرفت. نه تنها باید ارتباط گرفت و دیگر تشکلهای را ترغیب به حمایت نمود تا در تظاهرات شرکت نمایند. بلکه مثلا میتوان روزی را مشخص کرد که یک راهپیمایی مشترک داشت. این نه تنها حمایت از اعتصاب را جلب مینماید بلکه زمینه را برای کارهای مشترک و هماهنگ آینده نیز فراهم خواهد ساخت.

- دستگیری آژیتاتورها و رهبران اعتصاب برای متوقف کردن حتی موقتی اعتصاب و کنترل اوضاع از ابتدایی ترین سیاستهایی است که رژیم در طی این چند دهه بکار برده است. باید روی این کار شود. باید طرح و پلن داشت که اگر چنین اتفاقی افتاد صف بعدی آژیتاتورها آماده بوده که جای خالی کارگران زندانی را گرفته و اعتصاب را به پیش ببرند. این نیازمند داشتن اهداف و سیاستهای روشن و تاکتیکهای از قبل تعیین شده است که دیگر شاهد اتفاقی که در هفت تپه افتاد نباشیم.

- کمکهای مادی به اعتصاب کنندگان یک ظرفیت بالای همکاری و همدلی را ایجاد مینماید. اگر نگاهی به گذشته بیاندازیم تجربه زلزله استان کرمانشاه و کمک های سراسری مردم به زلزله زدگان چنان همه گیر و ابعاد گسترده ای داشت که عملاً دولت را به حاشیه راند و کنار زد. صندوق اعتصاب موضوعی بود که ما در یکی از میزگردهای رادیو پیام به آن اشاره کردیم (لینک گفتگو). در همین دوره اعتصاب هفت تپه بعضی از رانندگان با نسب پلاکارت روی تاکسی استفاده از سرویس برای کارگران را مجانی اعلام نمودند و یا پخش چای و غذا در میان اعتصاب کنندگان. این موارد شاید به نظر کوچک آید ولی میتواند یک فضای همبستگی عملی و قوی را بین دیگر اقشار جامعه با اعتصاب کنندگان ایجاد نماید. تجربه نشان داده که همبستگی و اتحاد گسترده ما پاشنه آشیل رژیم است و او تاب دیدن آنها ندارد.

- شبکه های اجتماعی مثل توئیتر، تلگرام، و نشان دادند که نه تنها ابزاری قدرتمند در ارسال خبرها و جابجایی نیرو و

حتی ایجاد تشکل و سازماندهی هستند بلکه وسیله ارتباطی روز هستند. الان اخبار و سیاستها حتی توسط سیاستمداران در سطح جهانی از این کانالها منتشر میشوند. شاید هماهنگی اعتصابات سراسری رانندگان کامیون با استفاده از این ابزار نمونه دیگری از کارایی شبکه های اجتماعی باشد.

متأسفانه نیروهای فعال سیاسی و اغلب کادرهای احزاب سالهاست از این تحولات عقب مانده و نتوانسته اند اهمیت و کارایی آنرا را درک کنند و همواره ضعف و ناتوانی خود را در زیر شعار بی ربط "فضای مجازی" پنهان نموده اند. استفاده از این ابزار الان مثل توانایی استفاده از تایپ در چهل سال گذشته است و جدا معتقدیم که از شرایط عضوگیری جریانات داشتن الزامی دانش استفاده از این ابزار است. اگر کادری نتواند ابزار ارتباطی امروزی را استفاده نماید، آن فعال سیاسی در چهل سال قبل گیر کرده است. کلاسهای کوتاه آموزشی و تهیه فیلم چگونگی استفاده از آپلیکیشنهای مختلف را باید در دستور کار قرار داد تا نه تنها کمکی برای ایجاد شبکه های سراسری اعتصابات و سازماندهی کارگران را ایجاد نمود بلکه از دستیابی رژیم و فتح اتاقهای مجازی جلوگیری نمود. تجربه هفت تپه درس خوبی در این رابطه بود.

بدون تردید دنیا مال ماست. بدون تردید سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در آینده ای نزدیک رقم خواهد خورد ولی این یک امر خودبخودی نیست و رژیم هم دست روی دست نخواهد گذاشت تا این امر به راحتی صورت پذیرد. پس باید آماده بود، سازماندهی کرد و با طرح و برنامه و تاکتیکهای از قبل تعیین شده کار او را یکسره نمود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم

رادیو پیام کانادا

۱۹ دی ۱۳۹۷